

## علامه بحرانی مولف تهذیب

علامه بحرانی از خانواده علم، شرافت، بزرگی و از فرزندان زهرای اطهر(س) است. نامش سید هاشم، فرزند سید سلیمان بن اسماعیل حسینی بحرانی و معروف به علامه است.



علامه بحرانی از خانواده علم، شرافت، بزرگی و از فرزندان زهرای اطهر(س) است. نامش سید هاشم، فرزند سید سلیمان بن اسماعیل حسینی بحرانی و معروف به علامه است. سید بحرانی از نوادگان سید مرتضی علم الهدی است که نسب سید مرتضی با پنج واسطه به امام کاظم(علیه السلام) می‌رسد.

او جزء اول ترتیب التهذیب را در روز نهم ذوالقعدة 1074 را به رشته تحریر در آورد.

همچنین کتاب مهم تفسیری خود به نام الهادی و ضیاء النادی را در سال 1077 نگاشته و در این زمان نویسنده ای متبحر و معروف بوده است. از این همه می‌توان ولادت ایشان را بین سال‌های 1030 تا 1040 دانست؛ چنان که تاریخ تولد معاصران ایشان، مانند علامه مجلسی 1037 هـ. ق. و شیخ حر عاملی 1033 هـ. ق. نیز بین سال‌های 1030 تا 1040 واقع شده است.

خاندان: خاندان سید هاشم خاندانی روحانی و اهل علم و سیادت بودند و در قریه &#171;کتکتان» از توابع شهر &#171;توبلی» که پایتخت و قطب علمی آن زمان بحرین بود می‌زیسته اند از بزرگان علمی خاندان وی می‌توان این چنین نام برد:

1. سید محمد بن سید عبدالجواد: وی عالمی فاضل، دارای صفات پسندیده و مصحح کتاب حبل المتین است. برای بیان عظمت مقام ایشان به کلامی از علامه اشاره می‌کنیم:

&#171;سید با سعادت، رشید، بلند آوازه و با عظمت، مقدس، شریف، صاحب خصلت‌های پسندیده و مزیت‌های بزرگ، سید محمد فرزند سید عبدالجواد...»

2. سید ابوالحسن علی بن سید محمد: از عموزادگان علامه بحرانی است. عالمی فرزانه و قاضی بحرین بوده است. علامه کتاب مهم تفسیری خود به نام الهادی و مصباح النادی را به درخواست شاه اسماعیل صفوی، در تاریخ 1077 به نام ایشان تألیف نموده و با بیانی بسیار شیوا وی را چنین مدح و تمجید کرده است:

&#171;شخصیت معتمد، پناهگاه مطمئن، سید خوش سیمای با وفای با سخاوت، طاهر النفس، پاک سرشت، باذکات، روشنگر عالی منصب، علوی نسب، ابوالحسن علی فرزند محمد.»

اساتید: حیات علمی محدث بحرانی نشان می‌دهد که از فیض وجود بسیاری از دانشمندان بهره‌جسته و از خرمن اندوخته‌های ناموران علم خوشه‌چینی کرده است و برای دستیابی به علوم مختلف و نیل به مراتب عالی علمی و کسب اجازه از عالمان و محدثان، زحمات زیادی کشیده و به سفرهای طولانی رفته است.

اسامی بسیاری از استادان سید هاشم بر ما پوشیده است و ما بعضی از آن بزرگان را که به اسامی آنها دست یافته ایم معرفی می‌کنیم:

1. شیخ فخرالدین طریحی نجفی (متوفای 1087 ق.): این محدث لغت‌شناس و عابد زاهد، از عالمان والا منزلت شیعه و مؤلف کتاب معروف مجمع البحرین و مطلع النیرین، یکی از استادان سید است. او زاهدترین و عابدترین اهل زمانش بوده و از خاندان طریحی (از خانواده‌های بزرگ و قدیمی نجف اشرف) است. وی علاوه بر کتاب مجمع البحرین، دارنده کتاب‌های دیگری است که بعضی از آنها عبارتند از: شرح مختصر النافع، تمییزالمتشابه من اسماء الرجال، جامع المقال فیما يتعلق باحوال الحدیث و الرجال.

او از کسانی است که به فرزند فاضلش صفی‌الدین و همچنین علامه بحرانی و علامه مجلسی اجازه روایت داده است و خود نیز از محمد بن حسام و او از شیخ بهائی نقل روایت می‌کند.

علامه بحرانی می‌گوید:

&#171;من این شیخ فاضل (طریحی) را در سال 1063 در خانه اش در مشهد مولا و امامان علی بن ابی طالب(ع) ملاقات نمودم. او از زهد و پرهیزکاران زمان بود.»

در جای دیگر فرموده است: &#171;با او ملاقات و گفتگو کردم و او اجازه نقل روایت به من داد.» وفات این دانشمند در رماحیه (از قریه‌های حیره) واقع شد. جسد شریفش را به نجف اشرف منتقل و در همان جا دفن کردند.

2. سید عبدالعظیم استرآبادی: سید عبدالعظیم بن عباس استرآبادی، استاد علامه بحرانی و شیخ او در اجازه روایت، از مردان پارسا مؤلف رساله وجوب عینی نماز جمعه است. سید هاشم بحرانی در باره اش می‌گوید: &#171;عده ای از اصحاب به من اجازه دادند که از جمله آنهاست سید فاضل متقی وارسته، سید عبدالعظیم بن سید عباس که در مشهد شریف رضوی به من اجازه داد، و او از شیخ

محقق، مفید خاص و عام، شیخ شهید ما محمد عاملی، مشهور به بهاء‌الدین نقل حدیث می‌کرد.»  
تألیفات: از تألیفات سید آنچه از سوی علما ثبت گردیده، حدود 75 عنوان است که بسیاری از آنها خود بیش از چند مجلد است. البته تعدادی از آثار نیز در زمان خود ایشان از بین رفته است، چنان که مؤلف ریاض العلماء می‌نویسد:  
&#171;از بعضی از فرزندان سید که بیشتر مورد وثوق و اعتماد من بود شنیدم که ایشان می‌گفت: بعضی از کتاب های پدرم را کسی که درخواست تألیف آن را نموده بود از ایشان گرفت و در بحرین هم معروف و مشهور نگردید و از بین رفت.»  
همچنین می‌نویسد: &#171;اکثر کتاب های سید هاشم را در اصفهان در منزل فرزندش سید محسن دیده ام.»  
ولی متأسفانه از آثار علامه بزرگوار محدث بحرانی امروزه جز اندکی از آن همه به دست ما نرسیده است.

1. البرهان فی تفسیر القرآن
  2. اللوامع النورانیة فی اسماء علی و اهل بیته القرآنیة
  3. المحجة فیما نزل فی القائم الحجة
  4. نور الأنوار
  5. الهادی و مصباح النادی
  6. الهدایة القرآنیة الی الولاية الامامیه
  7. حلیة الابرار فی احوال محمد و آله الأطهار
  8. مصباح الانوار و انوار الأبصار فی بیان معجزات نبی المختار
  9. وفاة النبی(صلی الله علیه و آله)
  10. حقیقة الايمان المبتوث علی الجوارح و احادیث التوحید و النبوة و الامامه
  11. اثبات الوصیة
  12. احتجاج المخالفین علی امامة علی بن ابی طالب امیرالمؤمنین(علیه السلام)
  13. الانصاف فی النص علی الأئمة الاثنی عشر من آل محمد(صلی الله علیه و آله)، باب النصوص
  14. ایضاح المسترشدین فی بیان تراجم الراجعین الی ولاية علی بن ابی طالب امیرالمؤمنین(علیه السلام)
  15. بهجة النظر فی اثبات الوصایة و الإمامة للأئمة الاثنی عشر
  16. البهجة المرضیة فی اثبات الخلافة و الوصیه
  17. تبصرة الولی فیمن رأى القائم المهدی(ع) فی زمن ابیه و فی ایام الغیبة الصغری و الكبرى
  18. تبصرة الولی فی النص الجلی علی امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب(ع) الخلیفة و الامام و الوصی و ولده الأحد عشر اوصیاء النبی
  19. التحفة البهیة فی اثبات الوصیة لعلی(ع)
  20. حقیقة الايمان المبتوث علی الجوارح
  21. سلاسل الحديد و تقييد اهل التقليد
  22. عمدة النظر فی بیان عصمة الأئمة الاثنی عشر ببراهین العقل و الكتاب و الأثر
  23. غایة المرام، و حجة الخصام فی تعیین الإمام من طریق الخاص و العام
  24. فصل معتبر فیمن رأى الامام الثاني عشر القائم المنتظر علی البشر(ع)
  25. كشف المهم فی طریق خبر غدیر خم
  26. المحجة فیما نزل فی القائم الحجة
  27. مدينة معاجز الأئمة الاثنی عشر و دلائل الحجج علی البشر
  28. الهدایة القرآنیة الی الولاية الإمامیه
  29. ینابیع المعاجز و اصول الدلائل
  30. تفضیل الأئمة - صلوات الله علیهم - علی الأنبياء عدا نبینا محمد(صلی الله علیه و آله)
  31. تفضیل علی(علیه السلام) علی الأنبياء اولی العزم من الرسل
  32. تلخیص رسالتین
  33. حلیة النظر فی فضل الأئمة الاثنی عشر(ع)
  34. الدرالنضید فی فضائل الحسین الشهید
  35. فضائل علی(علیه السلام) و الأئمة من ولده
  36. فضل الشیعه، (مناقب الشیعه)
  37. اللباب المستخرج من کتاب الشهاب
  38. اللوامع النورانیة فی اسماء علی و اهل بیته القرآنیة
  39. نهاية الأکمال فیما یتم به تقبل الأعمال
  40. الیتیمة والدرة الثمینة
- و کتاب های دیگری در فقه و حدیث و رجال و معاد و تاریخ و مقتل و ... دارد که از ذکر آن به خاطر تطویل خودداری می‌کنیم. جهت دیدن دیگر آثار سید هاشم بحرانی به بخش کتابخانه همین سایت مراجعه نمائید.

وفات: بدن نحیفش پس از سال‌ها زحمت و کوشش شبانه‌روزی دیگر توان حرکت نداشت، چشمان تیزبینش قدرت خود را از دست داده، انگشتان با وفایش که عمری سلاح قلم را گرفته و در راه اعتلای اسلام و دفاع از کیان ولایت رقم زده بود، دیگر توان نگارش نداشت، اما روح و افکار بلندش او را آرام نمی‌گذارد. او روزهای واپسین حیات را می‌گذراند که به درخواست تنی چند از عالمان بحرین و شاگردانش که در آن اواخر همچون پروانه گرد شمع وجودش می‌چرخیدند و از خورشید وجودش آخرین توشه‌ها را بر می‌گرفتند، پاسخ مساعد داد و تألیف کتابی در فضایل امیرمؤمنان(علیه السلام) را آغاز کرد.

وی کتاب تفضیل علی(علیه السلام) علی الأنبياء اولی العزم را همان‌گونه که در بستر مریضی آرمیده بود و به علت ضعف، قدرت حرکت و نوشتن نداشت، با حافظه قوی فزونی اندوخته‌ها و تسلط بر اخبار و احادیث، مطالب را املا می‌کرد و شاگردان می‌نوشتند. چهارده روز بدین صورت گذشت و او املا می‌فرمود و طلاب و شاگردان می‌نوشتند، تا این که کتاب به پایان رسید و یکی دو روز بعد از اتمام کتاب یعنی در سال 1107 هجری قمری دیده از جهان فرو بست.

سید بلند آوازه بحرین بدین گونه تا آخرین لحظات عمر از مجاهدت و نشر معارف دین دست برنداشت، و در واپسین لحظات عمر درسی بزرگ به همه سالکان وادی علم و معرفت آموخت و زندگی را با مهر علی(علیه السلام) و در راه احقاق حقیقت علوی به پایان برد.